

گزارش سیاستی

تحول نگاه ترکیه به بازارچه‌ها و تجارت مرزی؛ از مبادله محلی به شبکه تولید، تجارت و لجستیک

بررسی اسناد سیاستی ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۶ نشان می‌دهد نگاه این کشور به تجارت مرزی به تدریج از «بازارچه محوری» فاصله گرفته و به سمت استفاده از مرز به عنوان ابزار توسعه اقتصادی، تولید، تجارت خارجی و لجستیک حرکت کرده است. در این تحول، بازارچه مرزی حذف نشده، اما جایگاه آن تغییر کرده است؛ بازارچه دیگر هدف نهایی سیاست مرزی نیست، بلکه یکی از اجزای شبکه بزرگ‌تری شامل گمرک، حمل‌ونقل، انبارداری، خدمات لجستیکی، تولید منطقه‌ای و صادرات محسوب می‌شود.

در گزارش سال ۲۰۱۲ آژانس توسعه سرحد ترکیه درباره تجارت مرزی و گذرگاه‌های منطقه آغری، قارص، ایغدیر و اردهان، هنوز تمرکز قابل توجهی بر خود مراکز تجارت مرزی، از جمله ساری‌سو، وجود داشت. در این مقطع، مشکلاتی مانند وضعیت واحدهای تجاری، زیرساخت آب و برق، امنیت، نحوه تخلیه کالا، محدودیت سهمیه‌ها و مقررات کالایی به عنوان موانع اصلی تجارت مرزی مطرح می‌شد. با این حال، همان گزارش نشانه‌های نخست تغییر نگاه را نیز در خود داشت و «تجارت خارجی و لجستیک» را از مهم‌ترین مزیت‌های توسعه منطقه می‌دانست. از دید برنامه‌ریزان ترک، موقعیت مرزی باید به جذب سرمایه، توسعه تولید و افزایش اشتغال منجر می‌شد و گوربولاغ فقط یک گذرگاه با ایران نبود، بلکه مسیر دسترسی ترکیه به بازارهای شرقی و آسیای مرکزی نیز محسوب می‌شد.

در مرحله بعد، گزارش آژانس توسعه آناتولی شرقی با داده‌های تا سال ۲۰۱۹ نشان داد که نقطه ثقل تجارت مرزی از «مغازه و بازارچه» به سمت «مجوز، سهمیه، گمرک و تاجر واجد شرایط» حرکت کرده است. در این ساختار، حتی اگر یک مرکز تجارت مرزی از نظر فیزیکی فعالیت گسترده‌ای نداشته باشد، تجارت مرزی می‌تواند از طریق گمرک مجاز ادامه یابد. صدور گواهی تجارت مرزی، مجوز انطباق برای هر کالا و تصمیم کمیسیون ارزیابی استانی اهمیت بیشتری از حضور فیزیکی واحدهای تجاری پیدا کرد. به این ترتیب، ترکیه عملاً میان «بازارچه» و «رژیم تجارت مرزی» تفکیک قائل شد.

این روند در برنامه توسعه منطقه TRAY برای دوره ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۸ وارد مرحله جدیدی شده است. در این برنامه، تجارت مرزی دیگر به تنهایی محور سیاست نیست و در قالب اولویت بزرگ‌تری با عنوان توسعه زیرساخت

لجستیک و تجارت خارجی قرار گرفته است. برنامه، افزایش ظرفیت انبارها، نوسازی گمرک‌ها، توسعه مراکز لجستیکی، بهبود ارتباطات جاده‌ای و ریلی و تقویت تولید صادرات گرا را در کنار تجارت مرزی قرار می‌دهد. دوغوبایزید نیز به دلیل مجاورت با گوربولاغ نه صرفاً محل یک بازارچه، بلکه به عنوان مرکز تجارت، خدمات و لجستیک منطقه در نظر گرفته شده است.

تغییر مهم‌تر آن است که طرف ترک اکنون تجارت مرزی را مستقیماً به تولید پیوند می‌دهد. برنامه ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۸ بر توسعه صنایع غذایی، نساجی و برخی فعالیت‌های تولیدی منطقه تأکید کرده و ایران را یکی از بازارهای هدف این تولیدات از مسیر گوربولاغ می‌داند. به بیان دیگر، نگاه ترکیه از این پرسش که «چه کالایی از ایران وارد استان مرزی شود» فراتر رفته و به این پرسش رسیده است که «استان‌های شرقی ترکیه چگونه از مزیت مرز برای تولید، صادرات و ایجاد ارزش افزوده استفاده کنند».

تحولات سال ۲۰۲۶ نیز این جهت‌گیری را تأیید می‌کند. نوسازی و توسعه گوربولاغ، تأکید مقامات ترکیه بر نقش این محور در ارتباط با ایران و آسیا، اختصاص ظرفیت ۳۷/۵ میلیون دلاری تجارت مرزی به آغری و پیگیری برنامه‌های لجستیکی در حکاری نشان می‌دهد سیاست مرزی ترکیه در حال ترکیب سه مؤلفه تجارت مرزی، ترانزیت و لجستیک است. در این چارچوب، یک بازارچه زمانی ارزشمند است که بتواند به تولیدکننده، تاجر، انبار، حمل‌ونقل و بازار متصل شود.

این تحول یک نتیجه مستقیم برای پرونده ساری‌سو دارد. ادامه پیگیری موضوع صرفاً با عنوان «فعال‌سازی بازارچه ساری‌سو» می‌تواند دامنه مذاکرات ایران را محدود کند. ساری‌سو همچنان اهمیت دارد، اما باید درون یک طرح وسیع‌تر دیده شود. در این الگو، ساری‌سو می‌تواند محل تجارت سهمیه‌ای کالاهای منتخب و فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط باشد؛ بازرگان-گوربولاغ محور تجارت بزرگ و ترانزیت باقی بماند و منطقه ماکو-دوغوبایزید به حوزه خدمات لجستیکی، انبارداری، تجمع و توزیع کالا و اتصال تولیدکنندگان دو کشور تبدیل شود.

در چنین رویکردی، حتی مذاکره درباره کالا نیز باید از «فهرست کالاهای مجاز بازارچه» فراتر رود. ایران و ترکیه می‌توانند یک سبد مکمل تجارت مرزی تهیه کنند که در آن نیاز استان‌های مرزی، مازاد تولید دو طرف، سهمیه، فصل عرضه، کد تعرفه، ظرفیت انبارداری و مسیر حمل هر کالا مشخص باشد. این مدل با رویکرد جدید ترکیه سازگارتر از ارائه یک فهرست یک‌طرفه برای صادرات ایران است.

از منظر نهادی نیز تحول سیاست ترکیه ایجاب می‌کند مذاکرات فقط در سطح استانداری‌ها باقی نماند. مسائل مربوط به اداره محلی بازارچه و اجرای روزمره می‌تواند میان آذربایجان غربی و آغری پیگیری شود، اما موضوعاتی

مانند سهمیه، ساختار کالایی و قواعد تجارت باید میان وزارت صنعت، معدن و تجارت ایران و وزارت تجارت ترکیه دنبال شود. وزارت امور خارجه نیز می‌تواند هماهنگی بین دستگاهی و استمرار مذاکرات را در سطح دوجانبه تأمین کند.

جمع‌بندی

روند سیاست‌گذاری ترکیه نشان می‌دهد این کشور از «بازارچه به‌عنوان محل مبادله کالا» به سمت «مرز به‌عنوان بستر توسعه اقتصادی» حرکت کرده است. بازارچه همچنان باقی است، اما در کنار گمرک، لجستیک، تولید، انبارداری، حمل‌ونقل و صادرات معنا پیدا می‌کند.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود ایران نیز پرونده ساری‌سو را از عنوان محدود «فعال‌سازی بازارچه» به «برنامه توسعه تجارت و لجستیک مرزی آذربایجان غربی-آغری» ارتقا دهد. در این چارچوب، ساری‌سو یکی از ابزارهای برنامه خواهد بود و نه تمام آن.

در نگاه جدید ترکیه، موفقیت مرز با تعداد مغازه‌های بازارچه سنجیده نمی‌شود؛ بلکه با میزان تجارت رسمی، تولید ایجادشده، سهمیه مصرف‌شده، سرعت عبور کالا، ظرفیت لجستیکی و ارزش افزوده‌ای که در منطقه مرزی باقی می‌ماند ارزیابی می‌شود. این تغییر نگاه، مهم‌ترین درسی است که می‌توان از تحول سیاست تجارت مرزی ترکیه برای طراحی سیاست ایران استخراج کرد.

مرداد ماه ۱۴۰۵